

نور و ظلمت همواره دو نماد اهورایی و اهریمنی بوده اند، در قرآن نیز خداوند به صورت نور آسمان ها و زمین توصیف شده است. جالب آن که آفرینش جهان از آمیزش نور و ظلمت شکل گرفته است. پس بی دلیل نیست که آتش مهم ترین سمبل اهورایی و نماد ارتباط با ایزدان تلقی گردد. پیوند میان آتش با عبادت در آئین مزدایی نیز ریشه در همین تجلی اهورایی آن دارد، در زیر خلاصه ای به ویژگی ها و آئین های آتشکده ها پرداخته ایم:

### آتشکده

در جای جای سرزمین های متأثر از فرهنگ و تمدن ایران باستان، می توان بناهایی را یافت که به آتشگاه یا آتشکده معروف هستند. این اماکن مقدس نیایشگاه های زرتشتیان بودند که اکنون با گذشت هزاران سال از تاریخ پیدایش، هنوز ماهیت خود را داشته و در میان طرفدارانشان جایگاه پاک و مقدس خود را حفظ کرده اند. در دین زرتشت، آتش در جایگاه خاصی قرار دارد و مهمترین نیایشهای دینی در آن انجام می گیرد.

در خصوص واژه آتشکده باید گفت که از آتش + کده. تشکیل شده است. کد از ریشه کته اوستایی و آن نیز از مصدر کن به معنی کندن مشتق شده است. زرتشتیان معبد و آتشکده را «در مهر» هم می گفته اند که یادآور سنت های پیشین در تاریخ ایران و آیین مهر یا میتراپیسم نیز هست.

شکل بنای این اماکن همه جا یکسان بوده و هست، چراکه معمولاً هر آتشکده هشت درگاه و چند اتاق هشت گوشه داشته و آتشدان نیز در وسط آن بنا قرار گرفته و پیوسته آتش مقدس در آن روشن نگاه داشته شده است. تعداد آتشکده ها بسیار بوده و تأسیس آن ها به زمان های پیش از ظهور زرتشت، یعنی زمان پیشدادیان (هوشنگ و جمشید) می رسد. ولی در عهد ساسانیان سه آتشکده مشهور: آتشکده آذر گشسب یا آذر جشنس واقع در تکاب آتشکده آذربرزین مهر در خراسان آتشکده آذر فرنیغ (یا آتشکده کاریان) در فیروز آباد فارس به نام سه طبقه اصلی اجتماعی در آن دوران یعنی طبقه ارتشتاران و نظامیان، طبقه کشاورزان و پیشه وران و طبقه موبدان و روحانیان که با سه رنگ سرخ و سبز و سپید یا همان سه رنگ پرچم ایران مشخص می شده اند، اهمیت می یابد.

از آتشکده های آن زمان می توان به مواردی اشاره کرد: تخت سلیمان آتشکده نیاسر کاشان آتشکده آذربرزین مهر آتشکده بردسوره در بخارا آتشکده آذر شیدر بلخ آتشکده آذر نوش آتشکده ای در بلخ که همچون آذر شرب در خراسان بوده است. آتشکده باکو آتشکده سیروان (یا ماسبدان) در استان ایلام، سیروان آتشکده اردشیر آتشکده آناهیتا یا معبد آناهیتا آتشکده دارابگرد آتشکده شاهپور در قسطنطنیه آتشکده پوران آتشکده کرکویه آتشکده بارنوا در جنوب ایران آتشکده سرده در تفت یزد آتشکده آذرباد در تبریز آتشکده آذر گشسب یا آذر جشنس آتشکده خوار اصفهان آتشکده درب مهر گوهر و مهربان اصفهان آتشگاه اصفهان آتشکده آتشکوه محلات


از آثار به جای مانده در دوران ساسانی می توان دریافت که بیشترین آتشکده ها در منطقه ای آذربایجان قرار داشته اند. در بیشتر این آتشکده ها اثری از خاکستر بر جای مانده و در اصطلاح پهلوی «خودسوز» بوده اند. ظاهراً منبع سوخت آتش های آنها گاز نفت بوده است. البته با توجه به نام آذربایجان نیز می توان آتش را در آن دریافت. آتوریات (=نگهبان آتش) که در دوره هخامنشی، شهربان این ناحیه بود، نام خود را به آن داد و این ناحیه از آن به بعد به آتوریاتکان (آذربایجان امروزی) مشهور شد.

### نقش آتش یا "پرستش سو" در آیین زرتشتی

آتش در بین تمامی ملل نه تنها از نقطه نظر رشد و توسعه تمدن های بشری نقش به سزایی داشته است بلکه در بین اقوام و ملل گوناگون عنصری مقدس شمرده شده است. به طور مثال اقوام سامی آتش را گرمی داشته بودند. بر اساس گفته های ادیان الهی و کتب مقدس، آتش نه تنها ابراهیم نبی را نسوزاند بلکه برای او گلستان شد. موسی در کودکی و در تنور، میان آتش نشست ولی بر او گزند نرسید و همچنین در کوه تور، خداوند با زبان آتش بر موسی تجلی کرد و با او سخن گفت.

در آیین زرتشتی نیز آتش جایگاه ویژه ای دارد. در این آیین آتش نشانه ی مهر ایزد و پاکی بوده و بسیار مقدس است. از این رو است که در آیین زرتشتی نماز را رو به سوی آتش برگزار می کنند، پرستش سو یا قبله ی پیروان آیین زرتشتی، آتش بوده و رو به سوی آن مراسم خود را به جای می آورند. در این مراسم مومنان با دل و جان پاک در برابر ایزد خود و رو به آتش نماز می خوانند. این پیروان رو به سوی "روشنایی" (آتش یا خورشید)، خداوند را سپاس گفته و نیایش می کنند. زرتشتیان در کنار آتش به عناصر دیگر از جمله آب و خاک و هوا نیز به دیده ی احترام می نگرند و آتشکده ها را به نشانه ی مهر و پاکی در محل زندگی خود، نگاهداری می کنند. از دید این مردم آتش بزرگترین پاک کننده است و در عین حال نورانی ترین عنصر به حساب می آید و آن را سمبل اهورا مزدا می دانند. ایرانیان از سال ها پیش، آتش را به عنوان نماد موجودیت خود در نظر داشتند.

# "پرستش سو" در میانه ی آتشگاه



نگهداری از این آتش و سوزاندن آن نیز توسط روحانی مربوطه هر روز در وقت معینی صورت می‌گرفت و سوخت و بخورات را به همراه بناپاش بر آتش وارد می‌کرد. نماز ویژه آتش هنوز هم در آتشکده‌ها خوانده می‌شود.

با برپایی آتشکده‌ها و برگزاری نماز و همچنین پایداری در روشنایی آتش، لزوم پیدایش روحانیان یعنی موبدان آتشکده‌ها احساس شد. از میان این طبقه، روحانی عالی رتبه یا روحانی رییس آتشکده را در فارسی باستان بگینه پتی *baginapati* می‌خواندند. این لقب در دوره ساسانی به «مغوبد» (= بزرگ مغان) تغییر یافت.

#### آتشدان

برای روشن نگه داشتن آتش باید ظرف و جایگاهی خاص در نظر گرفته می‌شد. بدین سبب ظرفی بر روی پایه‌ای بلند ساخته می‌شد که باید همیشه روشن می‌بود. این ظرف «آتشدان» نام داشت. آتشدان در محرابی درون اتاق و داخل آتشکده قرار داشت. تا روحانی بتواند آن را از هرگونه آلودگی و ناپاکی مصون بدارد.

از نظر ظرافت و زیبایی و طرز ساخت آتشدان‌ها می‌توان به نمونه‌هایی که طی کشفیات باستان‌شناسی مورد مطالعه قرار گرفتند اشاره کرد. در میان بقایای کاخ‌های پاسارگاد، آتشدان‌های خوش تراشی از سنگ سفید پیدا شده است، نوع و طرز ساخت آنها و همچنین جایگاهی که برایشان در نظر گرفته شده بود نشان از اهمیت آن در نزد شاهان هخامنشی دارد. آتشدان‌های پاسارگاد از نظر ظرافت کار سنگتراشی بی نظیرند اما نمونه‌های آن را زرتشتیان در طول سده‌ها، به هنگام پرستش و نیایش به کار برده‌اند.

در حجاری‌های بالای آرامگاه داریوش، آتشدانی همانند آتشدان پاسارگاد روبروی نقش شاه قرار دارد که زرتشتی بودن صحنه را نشان می‌دهد. نقش آتش به صورت هرمی از شعله‌ها از سر آتشدان زبانه می‌کشد. این یکی از کهن‌ترین نمونه‌های آتشدان است. گمان می‌رود نماز کردن به آتش افروخته در بلندی از آیین‌های ویژه شاهان زرتشتی بوده است.

آتشدان‌ها در میان مردم و حاکمان آن دوران جایگاه ویژه‌ای داشت، چرا که در دوره ساسانیان، آتشدان علامت ملی شد و آن را روی سکه‌های پادشاهان این سلسله ضرب کردند.